(258)

هو الله

ای یاران الهی حمد خدا را نور هدی از افق ارض صاد در نهایت تلئلأ پدیدار گشته در قلوب شوق و شوری جدید افتاده و در نفوس اهتزاز تازهئی آشکار گشته مدتی بود در نهایت سکون بود حال بحرکت منتهی شد یاران آغاز آوازی نمودند و در این گلشن تقدیس شهنازی زدند انسان اگر بکلی مفقود گردد بهتر از آنست که مخمود شود مرده البته بهتر از افسرده و پژمرده است زیرا مرده معذور است حول و قوتی ندارد ولی افسردگی و پژمردگی از سیئآت سابقه و لاحقه حاصل گردد حال حمد خدا را که این تیرگی مبدل بروشنائی شد و این افسردگی بافروختگی منتهی گشت ایام جمیع انام در نهایت ظلام میگذرد در ظلمات ثلاث که در قرآن مذکور است مستغرقند لا یعلمون المبدأ و لا المنتهی و لا یطلعون بحقائق الأشیآء و العاقبة یرجعون الی الحفرة الظلمآء والدرکات السفلی قد خسروا الحیوة الدنیآء و حرموا من النشئة الأخری فیا اسفا لهم من هذه الغفلة العمیآء اسئل الله بان یهدیهم الی سبیل الرشاد و ینور ابصارهم بالنور الساطع من الأفق الأعلی باری ای یاران این اوان وقت همتست و سعی و اجتهاد تا بجهد بلیغ آن اقلیم را باهتزاز آرند و بنفحات قدس زنده نمایند ترویج وحدت عالم انسانی کنند و تأسیس یگانگی بشری نمایند یار و اغیار بنوازند و کار هر دردمند بسازند و در این گلشن جنت ابهی بابدع الحان نغمه و آوازی بنوازند که گوشها محرم راز گردد و جمیع بشر همدم و هم آواز شود تأییدات غیبیه پیاپی میرسد و توفیقات صمدانیه متتابعست اگر نفسی کلال آرد و یا آرام جوید خود را محروم نماید و علیکم البهآء الابهی (ع ع)